

## قلمرو شرعی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر (حوزه مردم نسبت به یکدیگر)

حسین جوان آراسته\*

### چکیده

این مقاله درصدد است تا به پرسش‌هایی در زمینه محدودیت‌های امر به معروف و نهی از منکر، مستندات این محدودیت‌ها، نسبت میان قلمرو شرعی و قلمرو قانونی امر به معروف و نهی از منکر پاسخ گوید. در قسمت مربوط به قلمرو شرعی امر به معروف و نهی از منکر، مواردی چون تعرض به حریم خصوصی دیگران، تجسس در امور دیگران و جلوگیری از حرام با عمل حرام، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در بخش مربوط به قلمرو قانونی، بحث بر روی ممنوعیت‌های مرتبط با حریم خصوصی و ممنوعیت‌های مرتبط با نهادهای قانونی متمرکز شده است. به رغم برخی تفاوت‌های ظاهری، قلمرو شرعی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر همسو با یکدیگر و مکمل هم می‌باشند و حوزه‌های مختلفی نظیر شئون اسلامی، حقوق شهروندی، عفت عمومی، امور خانوادگی، امنیت و انضباط اجتماعی، بهداشت عمومی، حفظ اموال عمومی و حفاظت از محیط زیست را در بر می‌گیرند.

### واژگان کلیدی

معروف، منکر، شرع، قانون، قلمرو، حریم خصوصی، نهادهای قانونی.

## مقدمه

به موجب اصل هشتم قانون اساسی:

در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل، بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند.

و براساس قرآن کریم:

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ.  
(توبه / ۷۱)

مردان و زنان با ایمان، ولیّ و یار و یاور یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

یکی از پرسش‌های اساسی در زمینه امر به معروف و نهی از منکر آن است که این وظیفه در چه محدوده و قلمروی روا و در چه محدوده‌ای نارواست. به عبارت دیگر، آیا امر به معروف و نهی از منکر از نظر شرعی و قانونی، به صورت مطلق مطالبه شده‌اند یا خیر؟ اگر این مطالبه مطلق نیست و حد و مرزی دارد، این مرزها کدامند؟ مستندات این محدودیت چیست؟ چه نسبتی میان قلمرو شرعی و قلمرو قانونی امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد؟ آیا میان موارد شرعی و قانونی همخوانی وجود دارد یا خیر؟ این مقاله به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مقام پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست.

پیش از بررسی موضوع، لازم است ملاحظاتی در ارتباط با مفاد اصل هشتم، لازم است در نظر گرفته شود:

۱. گرچه از نظر شرعی (براساس ظاهر آیات و روایات امر به معروف و نهی از منکر) این

۱. تعبیر «امت» در آیه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» (آل عمران / ۱۱۰) و نیز آیه «وَأَلْتَمِسْ مِنْكُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران / ۱۰۴) و امر صریح به مردان و زنان مؤمن در انجام این وظیفه در آیه «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه / ۷۱) همگی دلالت بر این دارند که مخاطبان این فریضه، مسلمانان هستند. برخی مفسران چنین برداشتی از آیه اخیر

وظیفه شامل حال مسلمانان می‌شود، ولی چون قانون‌گذار، آن را «همگانی» دانسته است، به فرد، جریان یا گروه یا دین خاصی تعلق ندارد. شاید به این دلیل که هدف از امر به معروف و نهی از منکر، ترویج خوبی‌ها و دوری از زشتی‌ها و بدی‌هاست و هر انسانی به‌طور فطری در پی چنین جامعه‌ای است. لذا برای تحقق این هدف، غیرمسلمانان نیز می‌توانند و بلکه لازم است ایفای نقش کنند.

۲. در این بررسی، از میان سه حوزه مورد نظر اصل هشتم، تمرکز بر حوزه نخست، یعنی نظارت مردم بر یکدیگر است.

۳. یکی از مفروضات این مقاله که از عنوان آن پیداست، مطلق نبودن مطالبه امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم است. ما درصدد شناسایی موارد جواز یا عدم‌جواز شرعی یا قانونی امر به معروف و نهی از منکر توسط مردم نسبت به یکدیگر هستیم. این شناسایی بر این پیش‌فرض استوار است که هرچند اسلام ترویج خوبی‌ها و مبارزه با بدی‌ها را در دستور کار مؤمنان قرار داده است و بر انجام آن تأکید دارد، مواردی وجود دارند که افراد در رویارویی با ترک معروف یا انجام منکر، مجاز به مداخله و جلوگیری نیستند و اگر چنین کنند، خود مرتکب منکر شده‌اند. این موارد را ابتدا از نظر شرع مقدس و سپس از نظر قوانین بررسی خواهیم کرد.

### قلمرو شرعی امر به معروف و نهی از منکر (محدودیت‌های شرعی)

#### ۱. تعرض به حریم خصوصی دیگران

اصطلاح «حریم خصوصی» در فقه، باسابقه نیست و آنچه وجود دارد مسئله «حریم» است. آری؛ می‌توان در فقه، اموری چون حق مالکیت، اصل برائت، ممنوعیت تجسس، تفتیش، فاش کردن عیوب دیگران، استراق سمع، غیبت و ورود بدون اجازه به منزل دیگران را از جمله موارد دفاع از حریم خصوصی به شمار آورد. با عنایت به همین مسئله، برخی موضع‌گیری

---

داشته‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۲۸۱) درباره روایات نیز می‌توان به این نمونه اشاره کرد: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَرْفَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَاعِ يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا أُمِّي تَوَاكَلَتِ الْأُمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلَتَأْذَنُ بَوَاقِعَ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى». (طوسی، ۱۳۶۵: ۶ / ۱۷۷) همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هشدار پیامبر درباره سهل‌انگاری امتش، یعنی مسلمانان در انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر است.

اسلام در مقوله حریم خصوصی را «تحویل گرایانه» دانسته‌اند. (انصاری، ۱۳۸۶: ۵)

در هر صورت، آنچه به عنوان حریم خصوصی افراد مطرح است، دارای مصونیت بوده و دیگران حتی در صورتی که بدانند ساکنان محل در حال انجام گناه و معصیت هستند، نمی‌توانند به قصد نهی از منکر مداخله کنند. قرآن کریم می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا  
ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ. (نور / ۲۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست، داخل نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند بگیرید.

خداوند با تعبیر «لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا»، مؤمنان را از ورود بدون اجازه در ملک دیگران نهی فرموده است. استیناس در اینجا به معنای اذن گرفتن است و مراد این است که وارد خانه نشوید تا آن که به واسطه اجازه گرفتن انس بگیرید. (راوندی، ۱۴۰۵: ۲ / ۱۳۰)

به فتوای امام خمینی ره تنها در نهی از منکرهای بسیار مهم، مانند جلوگیری از کشتن انسان بی‌گناه می‌توان به محل کار یا منازل افراد وارد شد و در دیگر موارد، این‌گونه اقدامات حرام است.

اگر جلوگیری از منکر، متوقف بر ورود بدون اجازه به داخل خانه یا ملک دیگری یا تصرف در اموال وی، از قبیل فرش و رختخواب باشد، در صورتی جایز است که منکر به قدری مهم باشد که خداوند راضی به ارتکاب آن نیست؛ نظیر کشتن انسان بی‌گناه، و اما در غیر این‌گونه موارد، تصرف در ملک دیگران مشکل است هر چند که بعید نیست بعضی از مراتب تصرف در بعضی از منکرات جایز باشد. (امام خمینی، بی تا: ۱ / ۴۸۰)

شاید بتوان از باب الغای خصوصیت یا تنقیح مناط، حکم عدم جواز را به موارد دیگر از جمله وسایل نقلیه افراد و بازرسی از آنها تسری داد. با این توضیح که منزل افراد یا محل کار آنان خصوصیتی ندارند و آنچه مهم است عدم تعرض به حریم خصوصی افراد است که می‌تواند مصادیق متعدد داشته باشد.

امام خمینی علیه السلام در فرمان هشت ماده‌ای معروف خود، بر رعایت حریم خصوصی مردم بسیار تأکید داشتند. بندهای پنجم و ششم این فرمان که نشان‌دهنده میزان دغدغه رهبر جمهوری اسلامی به حقوق مردم و رعایت ضوابط شرع مقدس اسلام است، به‌راستی تأمل‌برانگیز است. به اعتقاد این فقیه بنیان‌گذار:

... هیچ‌کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند یا به‌نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید و یا نسبت به فردی اهانت نموده و اعمال غیرانسانی - اسلامی مرتکب شود، یا به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری، به‌نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند و یا برای کشف گناه و جرم، هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر، فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است و بعضی از آنها چون اشاعه فحشا و گناهان از کبائر بسیار بزرگ است و مرتکبین هر یک از امور فوق مجرم و مستحق تعزیر شرعی هستند و بعضی از آنها موجب حد شرعی می‌باشد. (امام خمینی، ۱۳۸۶: ۱۷ / ۱۴۱)

## ۲. تجسس در امور دیگران

ممنوعیت تعرض به حریم خصوصی، شامل ممنوعیت تجسس نیز می‌شود و اهمیت این موضوع به‌اندازه‌ای است که نگاه مستقل به آن شایسته است. خطاب قرآن به مؤمنان در این زمینه چنین است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَكَأَنَّ تَجَسُّوًا (حجرات / ۱۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از آنها گناه است و جاسوسی مکنید.

به نظر می‌رسد مراد از تجسس در آیه، جستجو برای یافتن عیب‌ها و لغزش‌های دیگران است. امام صادق علیه السلام در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود:

در جستجوی لغزش‌های مؤمنان نباشید، هر که چنین کند، خداوند در مقام

بررسی لغزش‌های او بر خواهد آمد و در این صورت، او را حتی در درون خانه‌اش رسوا خواهد نمود. (کلینی، ۱۳۶۵: ۲ / ۳۵۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲ / ۲۷۴)

یکی از تفاوت‌های مهم نظارت مردمی غیررسمی (که از آن به امر به معروف و نهی از منکر تعبیر می‌شود) با نظارت‌های رسمی، آن است که نظارت رسمی از روی علم و عمد صورت می‌گیرد، ولی نظارت‌های غیررسمی تصادفی هستند. اگر مردم در جایی با معروف ترک‌شده یا منکر انجام‌شده روبه‌رو شوند، در این حالت وظیفه نظارتی آنان ایجاب می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر کنند. بر این اساس، در نظارتی که بر مبنای امر به معروف و نهی از منکر صورت می‌گیرد، از نظر شرعی، حق تحقیق، تفحص و تجسس برای هیچ‌کس وجود ندارد، ولی حساب نظارت‌های پنهانی بر اعمال کارگزاران یا مأموران یا مراقبت‌های امنیتی نسبت به خرابکاران و فتنه‌گران جد است. «شهید مطهری» یکی از عوامل کم‌رنگ‌شدن اصل امر به معروف در میان مسلمانان را نوع رفتار آنان می‌داند و می‌گوید:

این خود ما بودیم که این اصل را به صورتی در آوردیم که مردم را بیزار کردیم و این اصل را فراموشانیدیم ... ما فقط در مورد منکراتی که علنی است و به آنها تجاهر می‌شود، حق تعرض داریم. دیگر حق تجسس و مداخله در اموری که مربوط به زندگی خصوصی مردم است، نداریم. ولی در گذشته نزدیک، یک عده مردم ماجراجو و شرور بالطبع که می‌خواستند ماجراجویی کنند و حساب‌خرده‌های خود را با دیگران صاف کنند، این اصل مقدس را دستاویز قرار می‌دادند. (مطهری، ۱۳۷۵: ۲۰ / ۱۹۹ و ۲۰۰)

### ۳. جلوگیری از حرام با عمل حرام

در مواردی که جلوگیری از حرام، متوقف بر ارتکاب کار حرام از سوی افراد باشد، وظیفه چیست؟ به عبارت دیگر، هنگامی که برای نهی از منکر عملی، جز انجام حرام هیچ راه دیگری برای ما وجود ندارد، چه باید کرد؟ برای مثال اگر لازم شود برای جلوگیری از خوردن شراب، ظروفی که فرد از آن استفاده می‌کند، شکسته شود یا در وسیله نقلیه‌ای که برای کارهای حرام مورد استفاده قرار می‌گیرد، نقص فنی ایجاد شود، آیا از نظر شرعی می‌توان این‌گونه اقدامات را انجام داد؟ پاسخ منفی است؛ زیرا در چنین مواردی تکلیفی

متوجه مکلفان نیست و وظیفه از دوش افراد برداشته می‌شود و شارع مقدس، راضی نیست که ما برای گرفتار نشدن دیگران خود را گرفتار معصیت کنیم و مبعوض بودن عمل حرام، همچنان باقی است.

در این زمینه می‌توان به «قاعده تسلط» استناد کرد. این قاعده فقهی، برگرفته از روایت نبوی «ان الناس مسلطون علی أموالهم» (احسائی، ۱۴۰۵: ۱ / ۴۵۷) است. گرچه این روایت به دلیل مرسله بودن از نظر سند، اشکال دارد، استناد فقها به مفاد آن، ضعف سندش را جبران می‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱: ۲ / ۲۲) سلطه انسان بر اموال خویش، منافی هرگونه سلطه دیگران در این اموال خواهد بود. علاوه بر این، ممنوعیت تصرفات دیگران در اموال اشخاص را می‌توان از لوازم و آثار مالکیت انسان بر اموال دانست. این لوازم عبارتند از: نافذ بودن تصرفات مالک و عدم جواز تصرفات دیگران در اموال.

حال آیا می‌توان به دلیل استفاده نامشروع از برخی اموال، به اموال دیگران از باب نهی از منکر آسیبی رساند؟ «اگر بطری شراب و یا جعبه آلات قمار را بشکنند، درحالی که در دفع منکر نیازی به چنین کاری نبوده است، ضامن است و کار حرامی را انجام داده است» (امام خمینی، بی تا: ۴۷۸ / مسئله ۶) و «اگر در نهی از منکر از مقدار لازم تجاوز کرد و این امر خسارتی را بر فاعل منکر وارد کرد، نهی از منکرکننده ضامن است و در تعدی خود مرتکب حرام شده است». (همان: مسئله ۷)

دلیل دیگر بر جایز نبودن چنین اقداماتی، این است که در اسلام، هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند. ما مجاز نیستیم برای رسیدن به اهداف خود هرچند مقدس، از هر وسیله‌ای بهره بگیریم. این قاعده کلی در موضوع امر به معروف و نهی از منکر نیز صادق است. نمی‌توان با کار ناشایست مانع از انجام کار ناشایست دیگران شد. این قاعده، استثنایی هم دارد و آن در موردی است که دفع افسد جز از طریق فاسد ممکن نباشد.

جایز نیست برای نهی از منکر از عملی حرام نظیر ناسزا و دروغ و اهانت کمک بگیرد. آری؛ اگر منکر، عملی باشد که شارع در هیچ شرایطی راضی به آن نیست، نظیر کشتن نفس محترمه و کارهای قبیح و گناهان کبیره‌ای که مایه هلاکت است، جایز است، بلکه اگر جلوگیری از چنان منکری جز به وسیله

آن گونه محرمات حاصل نمی‌شود، ارتکاب آنها برای جلوگیری از منکرات بزرگ‌تر، واجب است. (همان: ۴۷۸ / مسئله ۵)

#### ۴. برخورد با منکرات مورد اختلاف

احکام شرعی در یک تقسیم‌بندی، در دو گروه ضروریات شرعی و فتاوای شرعی قرار می‌گیرند. اموری چون وجوب نماز، روزه، زکات، حجاب و حرمت شرب خمر و زنا از ضروریاتند. برپاداشتن این دسته از واجبات و نیز جلوگیری از این محرمات، که در معروف بودن یا منکر بودن آنها اتفاق نظر وجود دارد، وظیفه هر مسلمانی است. گروه دوم، نظرات و فتاوای فقهی است. دیدگاه فقیهان به‌عنوان متخصصان امور دینی، ترجمانی از احکام شرع است و بی‌شک، دیگران برای دستیابی به احکام شرعی راهی جز تقلید از آنان ندارند.<sup>۱</sup> از آنجا که فقیهان، گاه در مبانی، گاه در منابع و گاه در شیوه‌های استنباط احکام شرع با یکدیگر اختلاف نظر دارند، احتمال اختلاف فتوا میان آنان، دور از انتظار نخواهد بود. اینجاست که گاه فقیهی، فتوا به حرمت چیزی می‌دهد و فقیه دیگر، فتوا به عدم حرمت آن؛ فقیهی، فتوا به وجوب چیزی می‌دهد و فقیهی دیگر، فتوا به عدم وجوب آن. برای مثال، اگر یکی از مراجع تقلید، تراشیدن ریش را منکر و حرام نداند، ولی مراجع دیگر در این زمینه احتیاط کرده، یا فتوا به حرمت بدهند و یا اگر مرجعی فتوا به حرمت اقامه نماز جمعه در زمان غیبت دهد و مرجع یا مراجع دیگری فتوا به جواز آن دهند، چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد در چنین مواردی هر فرد با دو وظیفه روبه‌روست:

اول: وظیفه عملی خود براساس نظر مرجع تقلیدش؛

دوم: وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نسبت به دیگران.

درباره وظیفه اول - به‌جز موارد استثنایی - هر کس مطابق فتوای مرجع تقلید خود، عمل خواهد کرد و در پیشگاه خداوند، معذور خواهد بود. اما در موارد اختلاف فتوا چگونه می‌توان به‌وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در قبال دیگران عمل کرد؟ در اینجا اگر معروف‌ها یا منکرها، فردی یا اجتماعی باشند، وظیفه متفاوت خواهد بود.

۱. به‌استثنای راه احتیاط که راهی مشکل و طاقت‌فرساست.



معروف و منکرهای فردی: در این گونه موارد، ما نمی‌توانیم افراد را از کاری نهی کنیم که در نظر مرجع تقلیدشان حرام نیست؛ زیرا این عمل برای آنان منکر محسوب نمی‌شود.

اگر عملی حکمش مورد اختلاف باشد و این احتمال وجود داشته باشد که نظر اجتهادی یا تقلیدی انجام‌دهنده عمل یا ترک‌کننده آن، متفاوت با نظر دیگران بوده و آنچه را انجام داده در نظرش جایز است، در این صورت امر و نهی، واجب نیست، بلکه نهی از منکر جایز نمی‌باشد چه رسد به اینکه فرد نسبت به نظر اجتهادی یا تقلیدی دیگری، علم داشته باشد. (همان: ۴۶۶)

معروف و منکرهای اجتماعی: در صورتی که در این موارد میان فقیهان اتفاق نظری وجود نداشته باشد، برای حل مشکل، راه‌حلهایی ارائه شده که عبارتند از:

۱. تبعیت هر مقلد از فتاوی مرجع خود؛
۲. تبعیت همه مقلدان از یک مرجع تقلید اعلم و ملاک قراردادن رأی او در تشخیص معروف و منکرهای اجتماعی؛
۳. تبعیت از رأی اکثریت مراجع؛
۴. تبعیت از رأی ولی فقیه.

در سه گزینه اول مناقشه وجود دارد؛ زیرا گزینه اول، هرچند مرجع و به هم ریختن نظم اجتماعی را به دنبال خواهد داشت. گزینه دوم، ما را به بن بست می‌کشاند؛ زیرا هر مقلدی مرجع تقلید خود را از دیگر مراجع اعلم می‌داند و در نتیجه، توافق بر یک مرجع تقلید اعلم و عمل بر اساس فتاوی او امکان‌پذیر نیست. گزینه سوم، مبنای شرعی ندارد؛ زیرا اینکه مقلدان وظیفه داشته باشند در موارد اختلاف میان فقیهان، رأی اکثریت را ملاک عمل قرار دهند، در فقه شیعه پذیرفته نشده است؛ زیرا اکثریت، دلیل بر حقانیت نیست. بدین ترتیب منطقی‌ترین گزینه، ملاک قراردادن رأی ولی فقیه خواهد بود. ترجیح رأی فقهی ولی فقیه بر رأی فقهی دیگران، ترجیح بلامرجح نیست، بلکه به دلیل دارا بودن امتیاز «ولایت» است. بدین ترتیب در تشخیص معروف‌ها و منکرهای اجتماعی، سیاسی و حکومتی، وظیفه هر مسلمانی - قطع نظر از اینکه چه کسی مرجع تقلید اوست - این است که نظرهای فقهی ولی فقیه را ملاک عمل

قرار دهد. چنین فقیه‌ی، به دلیل اشراف به مسائل سیاسی و اجتماعی، در جایگاهی قرار گرفته است که علی‌القاعده دیدگاه او در مقایسه با دیگران، صائب‌تر خواهد بود. نظم عمومی نیز ایجاب می‌کند که در این گونه مسائل، رأی وی فصل‌الخطاب قرار گیرد و مسلمانان در امر به معروف و نهی از منکر خویش، نظر وی را مبنای عمل خود قرار دهند.

اگر از نظر امام خمینی علیه السلام تخلف از قوانین راهنمایی و رانندگی، حرام و یکی از مصادیق منکرات اجتماعی باشد و مرجع تقلید دیگری این گونه تخلفات را حرام شرعی نداند، آیا مقلدان وی شرعاً می‌توانند چنین کاری را «منکر» ندانند؟ آیا اگر خود، مرتکب چنین تخلفی شدند یا مرتکبان را نهی نکردند، از نظر شرعی معذورند؟ ما با انبوهی از امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی روبه‌رو هستیم که با توجه به مصالح و مقتضیات زمان و مکان متعلق امر و نهی قوانین حکومت اسلامی قرار می‌گیرند و چه بسا در بسیاری از موارد، آرای فقهی برخی از مراجع بزرگوار تقلید، با این قوانین همسویی نداشته باشد، آیا مقلدان این بزرگواران می‌توانند این قوانین را خلاف شرع و منکر تلقی کنند؟ آیا مجازند از باب امر به معروف و نهی از منکر به مقابله با آن برخیزند؟ پاسخ مثبت به این پرسش‌ها معنایی جز هرج و مرج و تجویز مبارزه با مقررات دولتی که نوعی مقاومت منفی در برابر نظام است، نخواهد بود.

اینها از مباحث بسیار مهمی هستند که لازم است از ابعاد مختلف بررسی شوند. امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که با نظام بانکی در ارتباط نباشد؛ «ربا» به‌طور مسلم یکی از منکرات اقتصادی در اسلام است؛ حال اگر در قانون بانکداری اسلامی مورد تأیید حاکم اسلامی، برخی معاملات، مصداق معاملات ربوی شناخته نشوند و همین معاملات در نظر برخی از مراجع تقلید، ربوی باشند، چه باید کرد؟ در چنین مواردی آنچه به شخص مراجع و مقلدان آنها مربوط می‌شود، معلوم است. اگر این معاملات را ربوی می‌دانند، مجاز به انجام آن نیستند، ولی آیا می‌توانند دیگران را از انجام آن نهی کرده، به مقابله با آن برخیزند؟

##### ۵. احتمال خطر جانی یا حیثیتی

اسلام، اهمیت ویژه‌ای برای جان و عرض و آبروی انسان قائل است. در مکتب اسلام، حیثیت و جان انسان به‌ویژه مسلمان از حقوق بنیادین بشر تلقی شده‌اند و بر صیانت از آنها به شدت تأکید

شده است، به گونه‌ای که تعرض به جان یا حیثیت انسان، حتی از سوی خود شخص مجاز نیست. جان و آبرو، امانتی الهی در دست بشر است و انسان‌ها موظف به مراقبت از آنها هستند. در موضوع مورد بحث اگر انجام چنین وظیفه‌ای برای انسان، خطر جانی یا حیثیتی به دنبال داشته باشد، تکلیف امر به معروف و نهی از منکر ساقط، بلکه در مواردی نیز حرام می‌شود. برخی از فقیهان بر این باورند که قلمرو سقوط تکلیف، حتی شامل وارد آمدن خسارت مالی قابل توجه نیز می‌شود.

اگر بر جان یا آبروی خود یا جان یا آبروی مؤمنان بترسد، نهی از منکر حرام می‌شود و همچنین است ترس بر اموال مؤمنان در صورتی که قابل توجه باشد و اما اگر بر مال خودش بترسد، بلکه حتی یقین داشته باشد که ضرر مالی متوجه او می‌شود، در صورتی که آن ضرر برایش مشقت‌آور نباشد، ظاهراً نهی از منکر حرام نخواهد بود و اما اگر به حد مشقت و حرج برسد، بعید نیست حرام باشد. (همان: ۴۷۲ / مسئله ۴)

البته نباید فراموش کرد که این امر نیز مانند دیگر موارد، استثنائاتی دارد. گاه معروف یا منکر به قدری دارای اهمیت هستند که مسلمان با هر هزینه‌ای باید وظیفه امر و نهی خود را انجام دهد، هر چند به قیمت جان یا آبرویش تمام شود.

اگر معروف و منکر از امور مورد اهتمام شارع اقدس باشند، نظیر حفظ نفوس قبیله‌ای از مسلمانان و هتک نوامیس آنان و یا محو آثار اسلام و نابودی حجت آن به طوری که باعث گمراه شدن مسلمانان شود و یا محو بعضی از شعائر اسلام، مثل خانه خدا به طوری که آثار و جای آن از بین برود و امثال این گونه فسادها، باید بین آن مفاسد و پیامدهای امر به معروف و نهی از منکر مقایسه و آنچه مهم‌تر است، حفظ شود و صرف ضرر هر چند ضرر جانی و یا حرج، باعث رفع تکلیف نمی‌شود. بنابراین اگر برپایی دلایل اسلام به گونه‌ای که زمینه گمراهی از بین برود، متوقف بر فداکردن جان و یا جان‌ها باشد، ظاهراً این امر واجب است تا چه رسد به اینکه به پاداری دین، باعث واقع شدن در حرج و ضرر غیرجانی باشد. (همان: ۴۷۳ / مسئله ۶)

#### ۶. اجرای خودسرانه حدود و تعزیرات

برخی از منکرات، اعمال مجرمانه‌ای هستند که مرتکبان آنها در شرع مقدس اسلام، مستحق حد شرعی می‌باشند. این جرایم و مجازات‌های آنها در نظام کیفری اسلام به تفصیل بیان شده

و در قانون مجازات اسلامی نیز در عناوین حدود، قصاص و تعزیرات، منعکس شده است. پرسش مهمی که در اینجا وجود دارد این است که آیا افراد عادی می‌توانند در برخورد با چنین منکراتی اقدام عملی کرده، حد شرعی را بر مجرمان اجرا کنند؟ بیشتر فقیهان، اقامه حد بر افراد را صرفاً در صلاحیت امام معصوم یا نایبان امام، یعنی فقیهان جامع‌الشرایط می‌دانند. (کرکی، ۱۴۱۴: ۳ / ۴۸۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱ / ۳۱۳) البته برخی از فقها اقامه حد بر زن و فرزند را از سوی شوهر و پدر بدون نیاز به اذن حاکم شرع، جایز دانسته‌اند. (عاملی، ۱۴۱۰: ۸۴) از فتاوای مورد اشاره که بگذریم، با وجود دولت اسلامی و نهادهای قضایی خاص، هیچ فقیهی مجوز اجرای حدود را به افراد غیرمسئول نمی‌دهد، به‌ویژه با توجه به حساسیت حدود و اهمیت ویژه‌ای که شرع مقدس به جان دیگران در نظر دارد.

#### ۷. تجاوز از مراحل امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر براساس فتاوای فقها که برگرفته از روایات اهل بیت علیهم‌السلام است، در سه مرحله «قلبی»، «زبانی» و «عملی» صورت می‌پذیرد. هریک از این مراحل سه‌گانه به نوبه خود، دارای مراتبی است که امر و نهی‌کنندگان باید ترتیب این مراتب را در هر مرحله رعایت کنند. متأسفانه بیشترین آسیب‌هایی که به جایگاه مقدس امر به معروف و نهی از منکر وارد شده، به‌دلیل بی‌توجهی به مراحل و مراتب این فریضه بزرگ دینی و افراط و تفریط‌ها بوده است. اهتمام جدی فقها و بزرگان دینی در این باره، نشان‌دهنده میزان اهمیت و ظرافت این کار است. در اولین مرحله، امر و نهی‌کننده باید انزجار قلبی‌اش را به مخاطب بفهماند که باید معروف را انجام دهد و منکر را ترک کند. نشان‌دادن انزجار قلبی در جاتی دارد، از جمله چشم فرو بستن، چهره در هم کشیدن، چهره یا بدن را برگرداندن و ترک مراد و قهر کردن.

در هر مرتبه، واجب است به درجه پایین‌تر آن اکتفا کند و آسان‌تر آن را انجام دهد، به‌ویژه در صورتی که انجام مرتبه شدیدتر، موجب هتک حرمت طرف مقابل شود. در این صورت تجاوز از مقدار لازم جایز نیست، مثلاً اگر احتمال دهد که تنها با بستن چشمانش مطلوب حاصل می‌شود، انجام مرتبه بالاتر جایز نیست. (امام خمینی، بی‌تا: ۴۷۶)

کسانی که در این مرحله اقدام به امر و نهی می‌کنند، لازم است به این نکته توجه داشته باشند که کدام مرتبه از مراتب یادشده، بازدارندگی بیشتری بر مخاطب دارد. نشان دادن انزجار و تنفر قلبی از راه ترک مراودت و مجالست با تبهکاران نیز مورد مطالبه و تأکید قرآن است:

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا. (نساء / ۱۴۰)

و البته [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که هرگاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد، با آنان منشینید، تا به سخنی غیر از آن درآیند؛ چراکه در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد.

در مرحله دوم، نوبت به «امر و نهی زبانی» می‌رسد. در برخی از موارد، فرد متخلف یا گناهکار که در واقع بیمار است.

عمل زشتی را مرتکب می‌شود، به خاطر جهالت و نادانی اوست، تحت تأثیر یک سلسله تبلیغات قرار گرفته است، احتیاج به مربی دارد، احتیاج به هادی و راهنما و معلم دارد، احتیاج به روشن‌کننده دارد، احتیاج به فردی دارد که با او تماس بگیرد، با کمال مهربانی با او صحبت کند، موضوع را با او در میان بگذارد، معایب و مفساد را برای او تشریح کند تا آگاه شود و بازگردد. (مطهری، ۱۳۶۶: ۱۷ / ۲۴۷)

اگر احتمال دهد که با ارشاد و موعظه و سخن نرم و ملایم، غرض حاصل می‌شود، واجب است چنین کند و تجاوز از آن جایز نیست. (امام خمینی، بی‌تا: ۴۷۸ / مسئله ۲)

اگر بداند که با موعظه و سخن ملایم، غرض حاصل نمی‌شود، با تحکم، او را امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و در این مرتبه اگر احتمال تأثیر می‌دهد، واجب است از آسان‌ترین کلام آغاز کند و تجاوز از آن جایز نیست، به‌ویژه اگر مورد، کسی است که خشونت، هتک حرمت اوست». (همان: مسئله ۳)

نکته جالب توجه این است که رعایت ترتیب مراحل سه‌گانه «انکار قلبی»، «انکار زبانی» و «انکار عملی»، به نوع افراد و مخاطبان بستگی دارد، اما اگر با مخاطبی روبه‌رو شویم که

تأثیرپذیری وی از مرحله دوم (انکار زبانی) بیش از مرحله اول (انکار قلبی) است، درباره او باید ابتدا از مراتب انکار زبانی شروع کرد.

اگر در بعضی از مراتب نهی زبانی (مرحله دوم) اهانت و ایذای کمتری نسبت به مراتب انکار قلبی (مرحله اول) وجود دارد و غرض به همان اندازه حاصل می‌شود، واجب است نهی زبانی مقدم گردد و به مقدار لازم اکتفا شود. برای مثال، اگر فرض شود، موعظه با بیان نرم و روی گشاده مؤثر است و یا شاید تأثیر دارد و کمتر از روی گردانی و قهرکردن و امثال آن، طرف را آزار می‌دهد، نباید از این نهی زبانی تجاوز کند و به قهر و روی گردانی تمسک جوید. امرکنندگان و امرشوندگان از نظر احوال مختلفند، چه بسا اشخاصی که قهرکردنشان طرف مقابل را بیشتر آزار می‌دهد تا امر به معروف و نهی از منکر زبانی و برای او سنگین‌تر و اهانت‌آمیزتر است. بنابراین بر امر و نهی کننده لازم است که رعایت مراتب و حال اشخاص را کرده، عمل خود را مطابق آسان‌ترین راه انجام دهد. (همان: مسئله ۶)

جلوه‌های گوناگون این مرحله را می‌توان این‌گونه برشمرد: نصیحت و ارشاد با گشاده‌رویی و بیان ملایم، نصیحت و ارشاد با بیان تند و شدید و بالاخره، امر و نهی تهدیدکننده و تحکم‌آمیز. مرحله سوم، مرحله اعمال قدرت است. گرچه تأثیر مثبت امر و نهی قلبی یا زبانی بر بیشتر افراد خاطی، انکار نمی‌شود، گاه با مجرم و تبهکاری روبه‌رو هستیم که نهی از منکر قلبی و زبانی تأثیری در وی ندارد و او همچنان به کار ناشایست خویش ادامه می‌دهد. درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

طَبِيبٌ دَوَّارٌ بَطِيْهٌ، قَدْ اَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ اَحْمِي مَوَاسِمَهُ. (نهج البلاغه: خطبه ۱۰۸)  
در مقام معالجه، پزشکی بود که هم مرهم می‌گذارد و هم داغ می‌کرد؛ یعنی در صورت لزوم جراحی می‌کرد.

این رفتار دوگانه پیامبر، برای همه قابلیت الگوبرداری دارد. در مرحله‌ای «اَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ» منکرات و مفاسد فردی و اجتماعی را از راه لطف و مهربانی معالجه می‌کرد و در صورتی که این شیوه سودی نمی‌بخشید، «اَحْمِي مَوَاسِمَهُ» وارد عمل جراحی می‌شد و به صورت عمیق داغ می‌کرد. هم مرهم‌های خود را بسیار محکم و مؤثر انتخاب می‌کرد و هم آنجا که پای

داغ کردن و جراحی در میان بود، عمیق داغ می کرد و قاطع جراحی می فرمود. شاید سعدی از همین سیره رسول خدا الهام گرفته است که می گوید:

درشتی و نرمی به هم در به است      چو رگزن که جراح و مرهم نه است

البته با این تفاوت که در طبابت رسول خدا ﷺ، نرمی بر درشتی مقدم بود و هم زمان به کار گرفته نمی شد. نیم نگاهی به آرای امام خمینی در این زمینه نیز راهگشا خواهد بود:

اگر علم یا اطمینان داشته باشد که مقصود با دو مرحله قبلی حاصل نمی شود، واجب است به مرتبه سوم که مرحله اعمال قدرت است، منتقل شود، البته با رعایت مراتب نرم تر آن. (امام خمینی، بی تا: ۴۸۰ / مسئله ۱)

اگر ایجاد فاصله بین فرد و گناه، مستلزم تصرف در فرد یا ابزار کار وی باشد، به این صورت که دست او را بگیرد و یا او را طرد کند و یا در جام شراب و یا در چاقوی او تصرف کند، این کار جایز و بلکه واجب است. (همان: مسئله ۳)

اینک این پرسش وجود دارد که در مرحله سوم (مرحله اقدام عملی برای جلوگیری از منکر) با رعایت مراتب آن، آیا هر نوع اقدام عملی برای جلوگیری از منکر از سوی افراد ممکن است؟ آیا برای جلوگیری از انجام منکر، زندانی کردن یا زدن یا مجروح کردن و یا کشتن فرد جایز است؟ آیا آمران و ناهیان می توانند حد شرعی را بر افراد جاری سازند؟ مروری بر آرای فقها نشان می دهد که دیدگاه یکسانی در این زمینه وجود ندارد:

۱. زدن بدون ایجاد جراحت: گرچه عموم فقیهان آن را جایز دانسته اند، برخی آن را بدون اذن امام یا نایب وی، جایز نمی دانند. (سیستانی، بی تا: ۱ / ۴۲۰)
  ۲. مجروح کردن یا کشتن: برخی آن را بدون نیاز به اذن امام جایز دانسته، هرچند بیشتر فقیهان، حکم به عدم جواز داده اند. (مفید، ۱۴۱۳: ۸۰۹؛ دیلمی، ۱۴۰۴: ۲۶۰؛ علامه حلی، بی تا: ۹ / ۴۴۴؛ همو، ۱۴۱۳: ۴ / ۴۵۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱ / ۳۱۲؛ نجفی، بی تا: ۲۱ / ۳۸۳)
- و گفته اند در صورتی که اقدام آمر یا ناهی به شکستگی عضو یا قتل منجر شود، وی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود.

۳. اجرای حدود: برخی از منکرات، اعمال مجرمانه ای هستند که مرتکبان آنها در شرع

مقدس اسلام، مستحق حد شرعی می‌باشند. این جرایم و مجازات‌های آنها در نظام کیفری اسلام به تفصیل بیان و در قانون مجازات اسلامی نیز در عناوین حدود، قصاص و تعزیرات، منعکس شده است. آیا افراد عادی می‌توانند در برخورد با چنین منکراتی اقدام عملی کرده، حد شرعی را بر مجرمان اجرا کنند؟ بیشتر فقیهان، اقامه حد بر افراد را صرفاً در صلاحیت امام معصوم یا نایبان امام، یعنی فقیهان جامع‌الشرایط می‌دانند. (کرکی، ۱۴۱۴: ۳ / ۴۸۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱ / ۳۱۳) برخی اجرای حد را تنها درباره ارباب نسبت به برده خود روا دانسته‌اند. (علامه حلی، بی‌تا: ۹ / ۴۴۵) علامه این قول را به ابن‌ادریس نیز نسبت داده است، (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱ / ۳۱۳) برخی دیگر از فقها علاوه بر این مورد، اقامه حد بر زن و فرزند را نیز از سوی شوهر و پدر جایز دانسته‌اند. (عاملی، ۱۴۱۰: ۸۴)

#### محدودیت امر و نهی عملی در زمان حکومت اسلامی

علاوه بر فتاوی‌ای پیشین، در حال حاضر و با وجود دولت اسلامی و نهادهای قضایی خاص، از نظر فقهی، نه تنها اجازه اجرای حدود به افراد غیرمسئول داده نمی‌شود، بلکه موارد نهی عملی خفیف‌تر نیز توسط مردم جایز شمرده نمی‌شود.<sup>۱</sup> برخی از فقیهان بر این باورند که چون با وجود حکومت اسلامی، امکان ارجاع مراتب مربوط به امر و نهی عملی، به نیروهای انتظامی و قضایی وجود دارد، وظیفه آمران و ناهیان، فقط امر و نهی زبانی است، به‌ویژه در مواردی که جلوگیری از منکر، مستلزم تصرف در اموال انجام‌دهنده منکر یا تعزیر یا زندانی کردن وی و نظایر اینها باشد. (خامنه‌ای، ۱۴۲۰: ۱ / ۱۹۰ و ۱۹۱)

اقدام عملی افراد برای نهی از منکر در بسیاری از موارد، باعث به‌هم‌ریختگی نظم اجتماعی خواهد شد. زمانی که نهادهای امنیتی و قضایی آموزش‌دیده، مبارزه با منکرات و مرتکبین آن‌را، در دستور کار خود قرار می‌دهند، هدف از نهی از منکر تحقق می‌یابد و ورود دیگران در این عرصه جز تزاخم و ایجاد هرج و مرج، ره‌آوردی نخواهد داشت.

۱. مسئله ۲۴۱۹: «اگر برای امر به معروف و نهی از منکر لازم شود که متوسل به ضرب و جرح یا اتلاف اموال و بالاتر از آن گردد، در این صورت هیچ‌کس بدون اجازه حاکم شرع حق اقدام ندارد، بلکه باید اصل کار و مقدار و اندازه آن طبق ضوابط اسلامی با نظر حاکم شرع تعیین گردد». (مکارم شیرازی، پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد احیای امر به معروف استان اصفهان، [www.rahebehesht.org](http://www.rahebehesht.org))



از سوی دیگر، از آنجا که معروف‌ها و منکرها در بسیاری از موارد بُعد اجتماعی دارند، در زمان حکومت اسلامی، در چنین مواردی، رأی فقهی فقیهی که ولایت و امامت امت در اختیار اوست، بر رأی فقهی دیگر فقیهان در صورت تعارض مقدم است. بدین ترتیب، حتی اگر فرض شود که فقیهی امر به معروف و نهی از منکر عملی را در همه مراتب آن، جایز می‌داند، درباره معروف و منکرهای اجتماعی، این فتوا نمی‌تواند حتی برای مقلدان وی مبنای عمل قرار گیرد.

البته ارجاع امر و نهی عملی به مأموران دولتی، به‌طور مطلق از مردم سلب مسئولیت نمی‌کند؛ زیرا در پاره‌ای از موارد، چه بسا منکری که در حال وقوع است، به قدری اهمیت دارد که باید در هر صورت از آن جلوگیری کرد، هر چند به قتل مرتکب آن منجر شود. فتوای امام خمینی در این زمینه درخور توجه است. ایشان با آن که مانند دیگر فقها، زدن را که منجر به جرح یا قتل شود، جایز نمی‌داند، می‌گوید:

اگر منکر از مواردی است که خداوند به‌هیچ‌وجه راضی به تحقق آن نباشد، مانند کشتن انسان بی‌گناه، در این صورت نهی از منکر حتی اگر به مجروح شدن یا کشتن منتهی شود، جایز بوده و نیازی به اجازه از امام یا فقیه نمی‌باشد. (امام خمینی، بی‌تا: ۱ / ۴۸۱)

روشن است که این‌گونه اقدامات، به زمانی اختصاص دارد که دسترسی به مقامات انتظامی و قضایی در لحظه وقوع جنایت ممکن نباشد.

بدین ترتیب، در زمان حاضر که حکومت اسلامی وجود دارد و نهادهای خاصی مأموریت مبارزه با منکرات را بر عهده دارند، مردم فقط وظیفه امر و نهی قلبی و زبانی دارند و اقدام عملی برای جلوگیری از منکر در هر مرتبه و سطحی، وظیفه مقامات صلاحیت‌دار دولتی است؛ مگر آنکه:

۱. منکر از مواردی باشد که در هر شرایطی باید از وقوع آن جلوگیری کرد، مانند قتل انسان بی‌گناه یا تجاوز به نوامیس مسلمانان.

۲. در زمان وقوع منکر، به مقامات انتظامی و قضایی دسترسی نباشد.

در نتیجه به‌نظر می‌رسد در زمینه قلمرو شرعی و ضرورت رعایت مراحل امر به معروف و

نهی‌ازمنکر، بایسته است به نکات زیر توجه شود:

یک. سپردن امر و نهی عملی به مقامات صلاحیت‌دار: بنابراین در زمان حاضر که حکومت اسلامی وجود دارد و نهادهای خاصی مأموریت مبارزه با منکرات را بر عهده دارند، مردم صرفاً وظیفه امر و نهی قلبی و زبانی دارند و اقدام عملی برای جلوگیری از منکر - جز در موارد بسیار خاص - وظیفه مقامات صلاحیت‌دار دولتی است.

دو. پرهیز از افراط و تفریط: متأسفانه جامعه اسلامی ما همان‌گونه که در بسیاری از امور، گرفتار افراط و تفریط است، در مسئله امر به معروف و نهی‌ازمنکر نیز از این مصیبت رنج می‌برد. برخی به این فریضه عمل نمی‌کنند و برخی دیگر که احیاناً تعصب دینی هم دارند، نمی‌دانند شیوه درست امر به معروف و نهی‌ازمنکر چیست و مخاطب آنها کیست. تصور می‌کنند که به هر شکلی وارد صحنه شوند و هر نوع برخوردی که با خاطیان و متخلفان یا گناهکاران کردند، به وظیفه دینی خود عمل کرده‌اند و چه‌بسا از انجام آن نیز شاد باشند، غافل از آن‌که در برخی از موارد، به‌جای جلوگیری از یک منکر، خود مرتکب منکرات فراوانی شده‌اند.

سه. ضرورت فرهنگ‌سازی: به نظر می‌رسد، توجه به مراحل و مراتب امر به معروف و نهی‌ازمنکر، موضوع بسیار مهمی است که نیازمند بسیجی همگانی برای فرهنگ‌سازی از سوی متولیان فرهنگی می‌باشد. در این زمینه لازم است آموزش‌های نظری و عملی مناسب برای سطوح مختلف مردم صورت پذیرد و همواره این آموزش‌ها بازخوانی شود. می‌دانیم که نهادینه‌شدن این مهم، نیازمند تصمیم، تدبیر و تداوم است.

چهار. تقدم اصل رحمت در اقدامات تدریجی: می‌توان از مجموع آنچه مربوط به لزوم رعایت مراتب بیان شد به یک اصل مهم اسلامی اشاره کرد و آن را مبنای هرگونه اقدام در هر مرتبه و مرحله‌ای دانست. این اصل، چیزی جز اصل «رحمت» نیست. در این زمینه شایسته است که در سخن امیر مؤمنان تأمل کنیم که فرمود:

وَإِنَّمَا يَنْبَغِي لِأَهْلِ الْعِصْمَةِ وَالْمَصْنُوعِ إِلَيْهِمْ فِي السَّلَامَةِ - أَنْ يَرْحَمُوا أَهْلَ الذُّنُوبِ وَالْمَعْصِيَةِ. (نهج‌البلاغه/ خطبه ۱۴۰)

بر کسانی که گناه ندارند و از سلامت دین برخوردارند، سزاست که بر گناهکاران و نافرمانان رحمت آرند.

باید اعتراف کنیم که ما قدرت محبت، عطف و نرمی را دست کم گرفته ایم و کمتر به این دستورات الهی توجه کرده ایم:

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ. (فصلت / ۳۴)

و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن، آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می شود.

### قلمرو قانونی امر به معروف و نهی از منکر (محدودیت‌های قانونی)

موارد محدودیت را در یک تقسیم‌بندی کلی شامل ممنوعیت‌های مرتبط با حریم خصوصی و ممنوعیت‌های مرتبط با حوزه نهادهای قانونی، بررسی می‌کنیم.

#### الف) ممنوعیت‌های مرتبط با حریم خصوصی

حریم خصوصی، «قلمروی است که هر فرد - جز در موارد بسیار استثنایی - عرفاً یا شرعاً و یا قانوناً از ورود، نظارت و یا دسترسی دیگران به اطلاعات مربوط به آن مصون می‌باشد». این حریم دربر گیرنده ابعاد و حوزه‌های گوناگونی همچون حریم خصوصی جسمانی، حریم خصوصی اماکن و منازل، حریم خصوصی ارتباطات و حریم خصوصی اطلاعات می‌باشد. اینک به بررسی این ابعاد به همراه مستندات قانونی آنها می‌پردازیم:

۱. حریم خصوصی جسمانی: شامل هرگونه بازرسی بدنی از روی لباس، بازرسی بدنی با درآوردن لباس، تفتیش اندام‌های داخلی انسان و انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی است.

۲. حریم خصوصی اماکن، منازل و وسایل: شامل ورود به منزل، باغ، وسیله نقلیه و بخشی از فضای در اختیار گرفته شده توسط افراد در پارک‌ها و استراحتگاه‌ها است.

در زمینه مستند قانونی موارد یادشده، می‌توان به اصل ۲۲ قانون اساسی اشاره کرد: «حیثیت،<sup>۱</sup> جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی

---

۱. حیثیت همان آبرو و شأن و منزلت اجتماعی فرد است که به آسانی به دست نمی‌آید و افراد بر پایه آن، احترام و تکریم می‌شوند. بنا به اصل ۳۹ قانون اساسی: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون

که قانون تجویز کند».

۳. حریم خصوصی ارتباطات: شامل حق اشخاص در محرمانه نگه داشتن ارتباطات کلامی، ارتباطات پستی (محتوای تمامی اشکال مراسلات)، ارتباطات مخابراتی (ارتباطات از راه دور از طریق تلفن، تلکس، فکس، بی سیم) و ارتباطات الکترونیکی و اینترنتی (شکل های جدید مراسلات همچون پست الکترونیکی و ماهواره ای که دامنه این حوزه از حریم خصوصی را به شدت توسعه داده است.

اصل ۲۵ قانون اساسی در این زمینه مقرر می دارد که

بازرسی و ترساندن نامه ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و ترساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل مزبور ظهور در اقداماتی دارد که دولت یا مأموران دولتی نسبت به مردم دارند، اما می توان از آن استظهار کرد که قانون گذار در مقام بیان ممنوعیت مطلق و نامشروع بودن نفس چنین اقداماتی است، خواه این اقدام از سوی دولت نسبت به مردم باشد یا از سوی برخی از مردم نسبت به برخی دیگر. بدین ترتیب رهگیری تمامی ارتباطات از راه دور و پایش ارتباطات کلامی - حضوری افراد جز با رعایت قانون، ممنوع است.

ماده ۶۴۸ از قانون مجازات اسلامی درباره نقض حریم خصوصی جسمانی، چنین مقرر کرده است:

اطبا و جراحان و ماماها و داروفروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می شوند، هرگاه در غیر از موارد قانونی، اسرار مردم را

---

دستگیر، بازداشت، زندانی، یا تبعید شده به هر دلیل که باشد، ممنوع و موجب مجازات است». ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز بر این نکته تأکید کرده است: «هرکس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». ماده دوازدهم: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود، نباید مورد مداخله های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد». مواد ۹ و ۱۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز به ترتیب تأکیدکننده مفاد مواد ۳ و ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

افشا کنند، به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند.

ممنوعیت افشای اسرار در ماده یاد شده شامل موارد مستمسک امر به معروف یا نهی از منکر نیز می‌شود.

مطابق «بند ف ماده ۳» قانون، بخشی از وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مصوب ۱۳۸۲/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی، «حفاظت و حراست و عدم ضبط و افشای انواع مراسلات و امانات پستی و همچنین مکالمات تلفنی و مبادلات شبکه اطلاع‌رسانی و اطلاعات مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی طبق قانون» است. بر این اساس انواع شنود و رهگیری‌ها بدون رضایت افراد ممنوع می‌باشد.

می‌توان از این مصوبه استظهار کرد که مأموران وزارتخانه، به دلیل برخورداری از امکانات لازم علاوه بر عدم تعرض به حریم خصوصی ارتباطات افراد، موظفاند از تعرض دیگران و دسترسی آنان به اطلاعات مربوط به اشخاص، جلوگیری کنند، حتی اگر مستمسک چنین افرادی امر به معروف یا نهی از منکر باشد.

۴. حریم خصوصی اطلاعات: شامل حق اولیه افراد در محرمانه ماندن و جلوگیری از دریافت، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به خود، مگر در موارد قانونی است.

قانون تجارت الکترونیک ایران، مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ مجلس شورای اسلامی در مواد ۵۸ تا ۶۱ به موضوع حمایت داده‌ها پرداخته است.

مواد ۵۸ تا ۷۸ قانون تجارت الکترونیکی ایران نیز حمایت از «داده پیام‌های» شخصی (حمایت از داده) را مورد توجه قرار داده است.

تمامی اصول و مواد قانونی مورد اشاره، بیانگر حساسیت فوق‌العاده قانون‌گذار در زمینه حریم خصوصی و لزوم صیانت از حقوق مردم در این حوزه است که ره‌آورد آن امنیت خاطر همه شهروندان خواهد بود و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر نیز در خارج از این قلمرو و محدوده پیگیری می‌شود.

### رابطه امر به معروف و نهی از منکر با حریم خصوصی

با عنایت به آنچه در زمینه حریم خصوصی و گونه‌های مختلف آن گفته شد، می‌توان به خوبی استنباط کرد که جز در موارد بسیار استثنایی، وظیفه شرعی و قانونی افراد در زمینه امر به معروف و نهی از منکر، خارج از حریم خصوصی اشخاص است. در جامعه‌ای که با وجود اهتمام به نظارت عمومی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، به احترام به حریم خصوصی نیز توجه می‌شود، سلامت فضای عمومی همراه با احساس آرامش و امنیت روحی و روانی در مردم، دلپذیرترین محیط را برای پویایی و رشد مادی و معنوی به وجود خواهد آورد.

### ب) ممنوعیت‌های مرتبط با حوزه نهادهای قانونی

بسیاری از اعمال غیرقانونی که از سوی برخی از مردم سر می‌زند، صرفاً نیازمند تذکر زبانی است و اقدامات فراتر از آن را نهادها و دستگاه‌های دولتی، برابر شرح وظایف مقرر خود بر عهده دارند. برای مثال جعل یا سوءاستفاده از اسناد دولتی، صدور چک بلامحل، کلاهبرداری، قاچاق کالا و ارز و نقایس ملی، آدم‌ربایی، نگهداری و حمل یا فروش سلاح، نگهداری و حمل یا فروش مشروبات الکلی و نیز جاسوسی برای بیگانگان از جمله منکرات مهمی هستند که باید از آنها جلوگیری کرد. برخورد شایسته با برخی از موارد ذکر شده نیازمند ظرافت‌ها و یا اقدامات امنیتی خاصی است که جز از مأموران آموزش‌دیده و ورزیده و نیز با روزها و یا ماه‌ها کار اطلاعاتی و تشکیلاتی امکان‌پذیر نیست؛ بدیهی است اقدامات دیگران در چنین مواردی هرچند با انگیزه‌های بسیار مقدس صورت گیرد، نه تنها به نتایج مطلوب منجر نمی‌شود، بلکه در بسیاری از موارد آثار مخرب فراوانی را بر جای خواهد گذارد.

به عبارت دیگر، در یک نگاه کلی به منکرات در جوامع کنونی می‌توان آنها را به چند دسته تقسیم کرد:

۱. منکراتی که از نظر شرعی ممنوعند، ولی در قوانین موضوعه نسبت به ممنوعیت آنها تصریحی نشده است. از جمله نگاه به نامحرم و یا دیدن فیلم‌ها، عکس‌ها و تصاویر مستهجن؛
۲. منکراتی که هم از نظر شرعی و هم از نظر قانونی ممنوعند، مانند روزه‌خواری در

انظار عمومی؛

۳. منکراتی که هم از نظر شرعی و هم از نظر قانونی ممنوعند، ولی در گذشته وجود نداشته و خاص جوامع پیچیده امروزی هستند و معمولاً به طور سازمان یافته صورت می گیرند، مانند جعل اسناد دولتی، قاچاق کالا و یا جاسوسی.

هرگاه یک منکر شرعی از نظر قانونی ممنوع شود، از آنجا که هر قاعده حقوقی دارای ضمانت اجرایی است، به ناچار دولت برای مبارزه با چنین منکراتی، سازوکارهای لازم را در نظر می گیرد و هر آنچه را که در این راستا ضروری تشخیص دهد، اعم از نیروی انسانی و تجهیزات مورد نیاز را فراهم می کند. بر این اساس در منکرات دسته دوم و سوم در کنار حرمت شرعی منکری که انجام می گیرد - و این امر عکس العمل مؤمنان را در نهی از منکر با رعایت مراحل و مراتب آن در پی دارد - ما با حضور مأموران دولت نیز روبه رو خواهیم بود. در چنین مواردی، هم به دلیل احتمال تراحم و اصطکاک میان مأموران دولت با نهی کنندگان از منکر و هم به دلایل دیگر که از جمله تخصصی بودن مبارزه با منکرات دسته سوم می باشد، لازم است میان اقدامات اشخاص حقیقی با مأموران دولتی، مرزبندی لازم صورت گیرد؛ این مرزبندی همان گونه که در دستورات رهبر معظم انقلاب اسلامی بارها و بارها آمده است، نهی از منکر در دو مرحله قلبی و زبانی از سوی مردم است و فراتر از آن را باید به مأموران دولت در نهادها و دستگاه های مسئول واگذار کرد. به نظر می رسد با توجه به دسته بندی ذکر شده اقدامات مردمی در نهی از منکر قلبی و زبانی مختص دسته اول و دوم منکرات است.

در زمینه منکرات دسته سوم، گاه منکر مورد نظر به قدری دارای اهمیت و حساسیت است که حتی انکار قلبی و زبانی از سوی مردم عادی، یعنی کمترین واکنش نسبت به مجرم یا مجرمان سبب می شود که کلیه مراحل پیگیری، تعقیب و دستگیری آنان با مشکل روبه رو شود. به همین دلیل، می توان گفت که در منکرات دسته سوم، هرگونه اقدام در هر مرحله را باید به دولت و مقامات دولتی سپرد و نقشی که مردم از باب نهی از منکر می توانند ایفا کنند، صرفاً نقش گزارش دهی و اطلاع رسانی در مراحل اولیه است. به عبارت دیگر، مبارزه با این گونه از منکرات خاص و ویژه را باید به مأموران ویژه سپرد. این گونه تعامل مردم با دستگاه های قانونی، هم بیانگر حس مسئولیت پذیری شرعی و ملی آنان است و هم از پیامدهای منفی اقدامات خودسرانه جلوگیری خواهد کرد.

## نتیجه

۱. دعوت افراد به امور شایسته و پسندیده در ابتدا و سپس واداشتن یا بازداشتن آنان به هر فعل یا ترک فعلی یا از هر فعل یا ترک فعلی که در قوانین و مقررات و یا شرع، امر شده یا از آن منع شده است، وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر.

۲. از آنجا که آیه ۷۱ سوره توبه مستند این اصل قرار گرفته است، این تأسیس حقوقی، خاستگاهی دینی دارد و قانون اساسی - به‌استثنای مورد سابق‌الذکر - همان نظارت عمومی مورد توجه شرع را به رسمیت شناخته و آن را مدل مناسب، بلکه لازمی برای سالم‌سازی محیط اجتماعی تشخیص داده است.

۳. با وجود برخی تفاوت‌های ظاهری، قلمرو شرعی و قانونی در این موضوع، همسو با یکدیگر و مکمل هم هستند. امر به معروف و نهی از منکر، حوزه‌های مختلفی از جمله شئون اسلامی، حقوق شهروندی، عفت عمومی، امور خانوادگی، امنیت و انضباط اجتماعی، بهداشت عمومی، حفظ اموال عمومی و حفاظت از محیط زیست را دربر می‌گیرند، ولی در مجوزهای زیر، اقدامات مردمی مطالبه نشده یا نهی شده و یا با محدودیت‌هایی روبه‌روست:

یک. موارد هشت‌گانه‌ای که از نظر شرعی، مجوزی برای امر به معروف و نهی از منکر نسبت به آنها وجود ندارد؛

دو. مواردی که به دلیل حریم خصوصی بودن، دخالت اشخاص دیگر بدون رضایت فرد، به هر دلیل و عنوانی، قانوناً ممنوع است؛

سه. مواردی که به دلیل ممنوعیت توأمان شرعی و قانونی، لازم است نهی از منکر در دو مرحله قلبی و زبانی از سوی مردم انجام گیرد و فراتر از آن را باید به مأموران دولت در نهادها و دستگاه‌های مسئول واگذار کرد.

چهار. در پاره‌ای از موارد به دلیل اهمیت و حساسیت فوق‌العاده آن، امر به معروف و نهی از منکر باید به صورت سازماندهی شده توسط نهادهای ذی صلاح قانونی صورت گیرد و هرگونه اقدام در هر مرحله (قلبی، زبانی و عملی) لازم است به مقامات مربوط سپرده شود. در چنین مواردی نقش مردم صرفاً نقش دادن گزارش در مراحل اولیه است.

**پیشنهاد:** گرچه در برخی از محورهای چهارگانه بند سوم، هم در شرع مقدس و هم در



قوانین موضوعه - هرچند به صورت پراکنده - تعیین تکلیف صورت گرفته است، اما تأمل در موارد مربوط به قلمرو شرعی و قلمرو قانونی به خوبی نشان می‌دهد که در هیچ‌یک از این محورها، ابعاد مختلف آنها شناسایی و دسته‌بندی لازم صورت نگرفته و قوانین مورد نیازی که اعمال شهروندان را درباره امر به معروف و نهی از منکر به صورت ضابطه‌مند درآورد، تدوین نشده است. در نظام مقدسی که در صدد تطبیق قوانین با شرع انور است، این خلأهای قانونی باید برطرف شود. بر همین اساس، در اجرای اصل هشتم قانون اساسی و به‌ویژه درباره شفاف‌سازی صدر این اصل که بیانگر وظیفه متقابل مردم نسبت به یکدیگر می‌باشد، قانون‌گذار، لازم است به گونه‌ای جامع، تدابیر بایسته و شایسته را در نظر گیرد. بدون وجود سازوکارهای قانونی چه بسا اقدامات خودسرانه و یا برداشتها و سلیقه‌های متفاوت در انجام این وظیفه شرعی و قانونی، به نظم اجتماعی آسیب رسانده، موجب نقض غرض شود.

#### منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. احسانی، ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ ق، *عوالی اللالی*، قم، انتشارات سیدالشهداء.
۴. امام خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۶، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۵. \_\_\_\_\_، بی تا، *تحریر الوسیلة*، قم، دار العلم.
۶. انصاری، باقر، ۱۳۸۶، *حقوق حریم خصوصی*، تهران، سمت.
۷. پایگاه اطلاع‌رسانی ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر استان اصفهان. [www.rahebehesht.org](http://www.rahebehesht.org)
۸. حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، *وسائل الشیعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۴۲۰ ق، *أجوبة الاستفتاءات*، بیروت، الدار الإسلامی.
۱۰. دیلمی، حمزة بن عبدالعزیز، ۱۴۰۴ ق، *المراسم العلویة و الأحكام النبویة فی الفقه الإمامی*، سلار، قم، منشورات الحرمین.

۱۱. راوندی، قطب‌الدین سعید بن عبدالله بن حسین، ۱۴۰۵ ق، *فقه القرآن*، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
۱۲. سروش، محمد، ۱۳۸۱، «مبانی عقلانی امر به معروف و نهی از منکر»، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال هفتم، شماره دوم.
۱۳. سیستانی، سیدعلی، بی‌تا، *منهاج الصالحین*، بی‌جا، بی‌نا.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۵. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۵، *تهذیب الاحکام*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. عاملی، محمد بن مکی، ۱۴۱۰ ق، *اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية*، بیروت، دارالتراث - الدار الإسلامية.
۱۷. علامه حلی، حسن بن یوسف بن مطهر، بی‌تا، *تذکرة الفقهاء*، قم، مؤسسه آل‌البتیت.
۱۸. \_\_\_\_\_، ۱۴۰۷ ق، *نهج الحق و کشف الصدق*، قم، دار الهجرة.
۱۹. \_\_\_\_\_، ۱۴۱۳ ق، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. کرکی، علی بن حسین عاملی، ۱۴۱۴ ق، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، قم، مؤسسه آل‌البتیت، چ دوم.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامية.
۲۲. متقی هندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین، ۱۴۰۱ ق / ۱۹۸۱ م، *کنز العمال فی سنن الأقال والأفعال*، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة.
۲۳. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن، ۱۴۰۸ ق، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، اسماعیلیان.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۶، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۱۷، تهران، صدرا.
۲۵. \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵، *مجموعه آثار استاد شهید مطهری*، ج ۲۰، تهران، صدرا.

قلمرو شرعی و قانونی امر به معروف و نهی از منکر □ ۲۸۱

۲۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، ۱۴۱۳ ق، *المقنعة*، قم، کنگره جهانی هزاره  
شیخ مفید.

۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۱۱ ق، *القواعد الفقهية*، قم، مدرسه الامام امیرالمؤمنین.

۲۸. نجفی، صاحب الجواهر، محمدحسن، بی تا، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*،  
بیروت، دار احیاء التراث العربی.

### قوانین

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر.
۲. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۳. قانون تجارت الکترونیک ایران.
۴. قانون مجازات اسلامی.
۵. قانون وظایف و اختیارات وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات.

Archive of SID